

Analyzing the Obstacles to Social Responsibility in Educational Groups of the Faculty of Humanities

Isa. Zamaniyan^{1*}, Mohammadreza Yousefzadeh Choosari²

1. PhD in curriculum development, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

2. Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran.

Abstract

Background and Objectives: Academic departments are key to improving the efficiency of the higher education system. By stepping out of the ivory tower and engaging with social life, they possess the capacity to solve emerging social problems. The aim of the present research was to identify the obstacles to the participation of academic departments in strengthening social accountability.

Methods: This research was conducted using a case study method. The research population included all heads of academic departments in the Faculty of Humanities at Bu-Ali Sina University, Hamedan. Using a criterion-based method and the principle of data saturation, 9 individuals were selected as participants. The instrument used was a semi-structured interview. For data analysis, the thematic analysis method was employed. The validity of the data was determined through member checking and an external audit, and the validity of the findings was confirmed using the CVR method.

Findings: It revealed that the barriers to the realization of social responsibility by academic departments include: the marginalization of interdisciplinary collaboration, the nature of activities and beliefs, limited engagement of faculty with the local community, confining social responsibility to charitable and voluntary activities, upstream laws and documents, low awareness of faculty members regarding the university's social responsibility, social responsibility assessment criteria, motivational barriers, centralized policymaking, distrust of academics, and the lack of embrace of the public scholarship approach. **Conclusion:** In conclusion, it can be said that to address the issues and problems of society, identifying the obstacles to the participation of academic departments in strengthening social accountability can promise a bright future for the sustainable development of society.

Review History:

Received: 05/05/2025

Revised: 09/07/2025

Accepted: 07/06/2025

Available Online: 04/09/2025

Keywords:

University Social
Responsibility
Academic Departments
Barriers
Participation..

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Zamaniyan, I. and Yousefzadeh Choosari, M.R. (2025). Analyzing the obstacles to social responsibility in educational groups of the Faculty of Humanities, *Journal of Management of Teaching and Learning Environments in Higher Education*, 1(2), 1-12.

doi: 10.22084/jmtlehe.2026.32090.1013

Online ISSN 3092-6394



*Corresponding author's: Email: esa_zam@yahoo.com



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to Buali Sina University Press. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC-BY-NC 4.0) License. For more information, please visit <https://www.creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode>

واکاوی موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی

عیسی زمانیان^{۱*}؛ محمدرضا یوسف‌زاده چوسری^۲

۱. دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.
۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.

تاریخچه داوری:

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

ارائه آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳

کلمات کلیدی:

دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی

گروه‌های آموزشی

موانع

مشارکت

زمینه و اهداف: گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها کلید بهبود کارایی نظام آموزش عالی می‌باشند، که با خروج از برج عاج و ورود به عرصه زندگی اجتماعی، توان حل مسائل نوپدید اجتماعی را دارند. هدف پژوهش حاضر شناسایی موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی بود.

روش‌ها: این پژوهش با شیوه مطالعه موردی انجام شد. میدان پژوهش شامل کلیه مدیران گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی‌سینا همدان، که به روش ملاکی و قاعده رسیدن به حد اشباع داده‌ها، ۹ نفر به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب گردیدند. ابزار مورد استفاده مصاحبه نیمه‌ساختار یافته بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده گردید. اعتبار داده‌ها از طریق بازبینی اعضا و ممیز خارجی تعیین و اعتبار یافته‌ها با استفاده از روش CVR مشخص گردید.

یافته‌ها: نشان داد موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی شامل، به حاشیه رانده شدن همکاری بین‌رشته‌ای، ماهیت فعالیت و باورها، ارتباط اندک اساتید با جامعه محلی، محدودکردن مسئولیت اجتماعی به فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه، قوانین و اسناد بالادستی، آگاهی اندک اساتید گروه‌های آموزشی در حوزه مسئولیت اجتماعی دانشگاه، معیارهای سنجش مسئولیت اجتماعی، موانع انگیزشی، سیاست‌گذاری‌های متمرکز، بی‌اعتمادی به دانشگاهیان و عدم استقبال از رویکرد دانش‌پژوهی عمومی، می‌باشد.

نتیجه‌گیری: در پایان می‌توان گفت که جهت پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات جامعه، شناسایی موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی، می‌توان نوید آینده روشن برای توسعه پایدار جامعه باشد.



استناد به این مقاله: زمانیان، عیسی و یوسف‌زاده چوسری، محمدرضا (۱۴۰۴). واکاوی موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های

آموزشی دانشکده علوم انسانی. مدیریت محیط‌های یاددهی-یادگیری در آموزش عالی، ۱(۲)، ۱-۱۲.

doi: 10.22084/jmtlehe.2026.32090.1013

*نویسنده مسئول: esa_zam@yahoo.com

حقوق مؤلفین به نویسندگان و حقوق ناشر به انتشارات دانشگاه بوعلی‌سینا داده شده است. این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (License Commons Creative) در دسترس شما قرار گرفته است. برای جزئیات این لایسنس، از آدرس <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> دیدن فرمائید.



۱. مقدمه

ارتقا سطح تعهد نهاد آموزش عالی نسبت به مسئولیت اجتماعی خود، نتایج مثبتی در بر خواهد داشت که می‌توان به، تضمین دسترسی به آموزش عالی، ایجاد نوآوری برای خدمت به جامعه (Valencia-Arias et al., 2024)، توجه به آموزش تفکر انتقادی، خود آگاهی (Shek, 2020)، ارتقاء و مشارکت دانشگاه در سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه، افزایش همکاری دانشگاه با نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، افزایش تأثیر تحقیقات دانشگاهیان بر زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعه محلی اشاره کرد (Azizi, 2017). اهمیت تحقق این، اهداف در نظام آموزشی سبب گردیده محققانی مانند (Cabanzo, Vitery, and Fonseca, 2025; Vallaes, Oliveira, Crissien, Solano and Suarez, 2022)؛ اذعان نمایند که دانشگاه وابسته و برآمده از دل تحولات اجتماعی می‌باشد و از جامعه جدا نمی‌باشد. بنابراین یکی از اولویت‌های اساسی دانشگاه به‌خصوص در مراکز علوم انسانی جهت ادامه بقاء آگاهی از اثرات فعالیت‌های خود بر جامعه و مشارکت‌های متنوع در اجتماع می‌باشد (Zamaniyan, Yousefzadeh Chosare and Khakbaz, 2023). در این راستا دانشگاه‌های امروز موفقیت و تداوم حیات خود را در گرو مسئولیت در برابر محیط اجتماعی می‌بینند و با رویکردی، آینده‌نگر، پویا و منسجم نسبت به مسئولیت اجتماعی عمل می‌کنند (Farhadirad, Parsa, Shahi, and Bahrami, 2020) اگر علم حاصل از دانشگاه نتواند در خدمت جامعه باشد و از آلام و رنج‌های آن بکاهد، بر آرامش و آسایش آن بیفزاید، اندیشه و اخلاق متعالی را دامن زند و صلاح و سعادت جامعه و راه رسیدن به آن را نمایان سازد، چنین دانشگاهی به تدریج مرجعیت و اعتبار خود را در جامعه از دست خواهد داد. تحقق این امر نیز بدون مسئولیت‌پذیری اجتماعی میسر نخواهد بود در واقع دانشگاه با روحیه مسئولیت‌پذیری است که می‌تواند اثرگذاری خود را در جامعه محقق سازد.

دانشگاه‌ها تاکنون نسل‌های مختلفی را پشت سرگذارنده‌اند و هریک از این نسل‌ها با حفظ کارکردهای نسل پیشین، وظایف و کارکردهای جدیدی را نیز پذیرفته‌اند (Asgari, Khorsandi, Tlasekvoh and Ghiyasi Nadushan, 2023). دانشگاه در نسل اول آموزش محور، در نسل دوم پژوهش محور، در نسل سوم کار آفرین و در نسل چهارم دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی می‌باشند (Bosquez-Aguilar, 2020). با گذار به اقتصادهای مبتنی بر دانش، آموزش عالی به عاملی محرک برای توسعه اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. در کنار آموزش با کیفیت بالا و تحقیقات عالی، مسئولیت اجتماعی به جنبه‌ای مهم از پاسخگویی و مشروعیت

دانشگاه‌ها تبدیل شده است (Godonoga and Sporn, 2023). از دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی تعاریف متنوعی ارائه گردیده است در همین زمینه (Severino-González et al., 2025) معتقد است که، دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی نهادی است که فراتر از وظایف سنتی آموزشی و پژوهشی به تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی فعالیت‌های خود توجه دارد، این نسل از دانشگاه متعهد به ترویج عدالت اجتماعی، پایداری، مشارکت مدنی و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه می‌باشد (Valencia-Arias et al., 2024). مسئولیت اجتماعی دانشگاه را، به عنوان یک رویکرد مدیریتی نوآورانه در محیط دانشگاه می‌دانند، که به مؤسسات آموزش عالی این فرصت را داده، تا تعهد خود را به جامعه تقویت کنند (Cabanzo et al., 2025). مسئولیت اجتماعی دانشگاه شامل مجموعه‌ای از عناصر مرتبط است که خود را از طریق گفت‌وگوها، شبکه‌ها و بیانیه‌های دانشگاهی نشان می‌دهند (Coelho and Menezes, 2020). مسئولیت اجتماعی دانشگاه را بهبود نگرش، رفتارهای اخلاقی، انجام پژوهش و نوآوری‌های مسئولانه دانسته که می‌تواند زندگی با کیفیت و پایداری را برای جامعه میسر نماید (Zamaniyan, 2023). مسئولیت اجتماعی دانشگاه را به عنوان، فعالیت‌های که دانشگاه در حوزه‌های آموزش، پژوهش و خدمت به جامعه در راستای رفع نیازهای متنوع اجتماع انجام می‌دهد و در طی آن هم جامعه و هم دانشگاه منتفع می‌گردند، تعریف نموده است.

دانشگاه در مسیر تدوین و پیاده‌سازی استراتژی مسئولیت اجتماعی خود در رابطه تنگاتنگی با، عناصر کلیدی‌اش اعم از استادان، دانشجویان، پژوهشگران و کارکنان، می‌باشد. تردیدی نیست که ایفای نقش‌های چندگانه دانشگاه، بیش از همه بر عهده اعضای هیأت علمی و بخصوص مدیران گروه‌های آموزشی می‌باشد (Kaykha and Abili, 2019). گروه‌های آموزشی به عنوان کوچک‌ترین بخش دانشگاهی و بارزترین بخش از ساختار تشکیلاتی دانشگاه‌ها هستند که موفقیت پیشرفت و کارایی دانشگاه‌ها به عملکرد آنها وابسته است و عملکرد اثربخش در سطح گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها مهم‌ترین منبع و کلید بهبود کارایی دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی است (Safari Farfa, Abolghasemi, Farastkhah and Noe-, Ibrahim, 2022). گروه آموزشی متشکل از اعضای هیأت علمی با تخصص مشترک یا نزدیک به هم می‌باشند و مسئولیت اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در یک یا چند رشته را بر عهده دارند (Supreme Council of the Cultural Revolution, 2010). در راستای انجام مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها، گروه‌های آموزشی

نقش‌هایی مانند حل مسائل اجتماعی، تقویت تفکر انتقادی، مدد رسانی به ایجاد توسعه پایدار و غیره را ایفا می‌کند (Zamaniyan, 2023). اما این مهم نیاز به تدبیر و مدیریت، سیاست‌گذاری صحیح و به موقع و درک ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های آن در سطوح گوناگون دارد (Zolfaqarzadeh and Cham Asemani, 2014).

دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی در پژوهش‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌است. (Khoshtam, 2025) در پژوهشی با عنوان "آسیب‌شناسی مسئولیت اجتماعی در پژوهش‌های محلی و منطقه‌ای اعضای هیئت علمی" نشان داد که عوامل درون نهادی شامل مصلحت‌اندیشی پژوهشی، عدم باور به کارکرد حل مسئله، حمایت ناکافی آیین‌نامه‌های ارتقاء و ترفیع از مسئولیت اجتماعی، کمی‌گرایی و مقاله‌محوری، سرانه پژوهشی حداقلی و عوامل برون نهادی شامل پژوهش‌های بی‌مشتري، عدم استقبال از پژوهش‌های مبتنی بر نیاز، لابی‌گری پژوهشی، نبود نهادهای بینایی، ضعف اعتماد متقابل دانشگاه و جامعه، لوکس و حاشیه‌ای بودن پژوهش، عدم جامعیت در اسناد بالادستی، عدم شایسته‌سالاری در انتصابات، رفتار غیرحرفه‌ای کارفرما، عدم اعتماد صنعت به توان داخلی، تمرکزگرایی، عدم مرجعیت دانشگاه در حل مسائل جامعه و بانک اطلاعاتی ناقص، از مهمترین آسیب‌ها در پژوهش‌های محلی و منطقه‌ای اعضای هیئت علمی می‌باشند. (Al-Mohammad, 2025) در پژوهشی با عنوان "تحلیل مقایسه‌ای تجارب فرهنگ‌سازی دو دانشگاه پکن در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی" نشان داد که هر یک از این دو دانشگاه با بهره‌گیری از الگوهای متفاوت، سهم معناداری در شکل‌گیری این فرهنگ ایفا می‌کنند. دانشگاه پکن عمدتاً از رهگذر ساختارهای سازمانی، اقدامات داوطلبانه، پروژه‌های اجتماعی توسعه محلی و ارتباط با جامعه در زمینه ارتقای آگاهی دانشجویان نسبت به مسئولیت اجتماعی خود عمل نموده است، در حالیکه دانشگاه نرمال پکن با تأکید بر رویکردهای آموزشی، فعالیت‌های پژوهشی و خدمات عمومی دانشجویی به ارتقای کنش مسئولانه دانشجویان پرداخته است. (Cabanzo et al., 2025) پژوهشی با هدف، تحلیل تأثیر گفتمان سازمان‌های بین‌المللی بر مسئولیت اجتماعی دانشگاه، انجام دادند، یافته‌ها نشان داد که دانشگاه‌ها مدل‌های پیشنهادی سازمان‌های بین‌المللی را با رویکردهای مختلف اتخاذ می‌نمایند. چارچوب‌های سیاست‌گذاری و مدیریتی، مطابق با دیدگاه «تأثیر» فرانسوا والیس که به تأثیرات عملکرد سازمانی، آموزشی، شناختی و اجتماعی توجه می‌نماید، بر اهمیت نتایج ملموس تأکید دارند. (Valencia-Arias et al., 2024) در پژوهشی با عنوان "استراتژی مسئولیت اجتماعی

دانشگاه: یک مطالعه موردی" با هدف تحلیل درک و برداشت ساکنان مناطق کم‌برخوردار از استراتژی مسئولیت اجتماعی دانشگاه دریافتند که تمرکز بر استراتژی‌های بازاریابی دانشگاهی برای ترویج و انتشار اقدامات راهبردی دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی اهمیت دارد. (Abrahão, Vaquero-Diego and Móstoles, 2024) پژوهشی با عنوان "مسئولیت اجتماعی دانشگاه: نقش اساتید" انجام دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اساتید به طور کامل از نقش اجتماعی خود آگاه نیستند و رسالت و اقدامات انجام شده پیرامون مسئولیت اجتماعی توسط دانشگاه را به طور کامل درک نمی‌کنند. (Miahkykh, 2023) در پژوهشی با عنوان "مسئولیت اجتماعی در آموزش عالی: چالش‌ها و فرصت‌ها" نشان داد که که چالش‌های مسئولیت اجتماعی در آموزش عالی شامل: نبود سیاست‌های روشن برای مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها، کمبود منابع مالی و انسانی برای اجرای برنامه‌های اجتماعی، مقاومت در برابر تغییر در ساختارهای سنتی آموزش عالی، نابرابری دسترسی به آموزش در جوامع محروم، تأثیر بحران‌ها (مانند جنگ یا پاندمی) بر تعاملات اجتماعی دانشگاه‌ها و فرصت‌های مسئولیت اجتماعی در آموزش عالی شامل: تقویت پیوند میان دانشگاه و جامعه، افزایش آگاهی و مشارکت دانشجویان در مسائل اجتماعی، ایجاد برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مبتنی بر نیازهای جامعه، امکان جذب حمایت‌های بین‌المللی و بین‌دانشگاهی، توسعه پایدار از طریق آموزش مسئولانه و مشارکت اجتماعی می‌باشند. (Do and Huang, 2023) پژوهشی با عنوان "موانع اجرای مسئولیت اجتماعی دانشگاه در آموزش عالی ویتنام" انجام دادند. نتایج از شناسایی شانزده مانع اساسی برای اجرای مسئولیت اجتماعی دانشگاه در دانشگاه‌های ویتنام حکایت دارد. که در میان این موانع، موانع مربوط به مسائل حقوقی، دانش مسئولیت اجتماعی دانشگاه و ذینفعان، بالاترین اولویت برای غلبه بر آنها در نظر گرفته شده است. همچنین یافته‌ها نشان داد، که عدم وجود معیارهایی برای سنجش مزایای مسئولیت اجتماعی دانشگاه فشار اجتماعی محلی و پیچیدگی پذیرش مسئولیت اجتماعی دانشگاه، هنگام اجرای طرح‌های مسئولیت اجتماعی دانشگاه نسبتاً آسان‌تر قابل رفع هستند. (Andalib Ardakani and Toghar Al Jardi, 2022) در پژوهشی با عنوان "شناسایی، رتبه‌بندی و مدل‌سازی عوامل مؤثر بر عدم اجرای مسئولیت اجتماعی" نشان دادند که موانع اجرای مسئولیت اجتماعی شامل، نبود ارتباط با ذینفعان، فرهنگ شرکت، مهارت نداشتن کارکنان برای اجرای مسئولیت اجتماعی، نبود حمایت از مدیریت میانی، نبود پشتیبانی از مدیریت عالی، وجود نداشتن شیوه‌نامه‌ها و

بر سر راه مشارکت گروه‌های آموزشی در جهت تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود دارد؟

روش پژوهش

رویکرد پژوهش کیفی و روش پژوهش مطالعه موردی^۱ است. روش مطالعه موردی، روشی کیفی است که در آن پژوهشگر یک واحد معین (مثل یک فرد، گروه، سازمان، رویداد یا پدیده) را به صورت عمیق و جامع در محیط واقعی آن مورد بررسی قرار می‌دهد تا به درک دقیق و همه جانبه‌ای از فرآیندها و عوامل مؤثر آن دست یابد (Safaei, Movahed, 2024). میدان پژوهش در این بخش شامل کلیه مدیران گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ که تعداد کل آن‌ها ۱۱ نفر است. با استفاده از روش روش ملاکی و قاعده رسیدن به حد اشباع داده‌ها، ۹ نفر به عنوان مشارکت‌کننده در پژوهش تعیین گردیدند. که از این تعداد ۷ نفر مرد و ۲ نفر زن و همچنین از این تعداد ۲ نفر استاد، ۳ نفر دانشیار و ۴ نفر استادیار می‌باشند.

جدول ۱. مشارکت‌کنندگان جهت شناخت موانع تحقق

مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی

ردیف	جنسیت	مرتبه	سابقه
۱	مرد	استاد	۲۵
۲	زن	دانشیار	۱۵
۳	مرد	استادیار	۱۰
۴	مرد	استادیار	۲۶
۵	مرد	استادیار	۲۲
۶	مرد	دانشیار	۲۱
۷	مرد	استاد	۲۵
۸	زن	استادیار	۱۱
۹	مرد	دانشیار	۱۷

ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده و با هریک از مصاحبه شوندگان به صورت جداگانه مصاحبه به عمل آمد. این مصاحبه‌ها به صورت حضوری انجام شده و در موارد ضروری پژوهشگر توضیحات لازم را درباره سؤالات ارائه می‌نمود. هر مصاحبه حدود ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون بوده است. برای تعیین اعتبار داده‌ها از روش‌های بازبینی اعضا و ممیز خارجی و برای تعیین اعتبار یافته‌ها از روش CVR استفاده شده

راهبردهای منسجم، نبود آگاهی و دانش مسئولیت اجتماعی، ناکافی بودن آموزش به واسطه مدیریت برای اجرا، نبود اشتیاق مشتریان، تجزیه و تحلیل هزینه سود، سختی کسب اطلاعات برای مسئولیت اجتماعی، اولویت مهم‌تر برای شرکت، نبود سیستم‌های اندازه‌گیری، بیش از حد وقت‌گیر بودن اجرا، نبود نگرانی‌های شرکت، آگاهی نداشتن درباره اجرای مسئولیت اجتماعی، پیاده‌سازی بیش از حد پیچیده و کمبود منابع مالی، می‌باشد (Kaykha and Abili, 2019). در پژوهشی با عنوان "مطالعه مسئولیت اجتماعی گروه‌های آموزشی نمونه موردی: گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران" نشان دادند "که مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی شامل اخلاقی، قانونی، زیست محیطی، مشارکت اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. (Ramos-Monge, Llinàs-Audet and Barrena-Martínez, 2019) با عنوان "محرک‌ها و موانع مسئولیت اجتماعی دانشگاه: ادغام در برنامه‌های استراتژیک" انجام دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها با مسائل و دغدغه‌های دانشجویان پیوند دارد؛ به گونه‌ای که از مهم‌ترین عوامل پیش‌برنده آن، تمایل به فعالیت در چارچوب یک منشور اخلاقی و کسب شایستگی‌های شهروندی به عنوان بخشی از آموزش‌های حرفه‌ای دانشجویان است. در مقابل، از جمله موانع مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عدم‌درگیری و همراهی کافی جامعه دانشگاهی است. علاوه بر این، ضعف در ارتباطات درون‌جامعه دانشگاهی به عنوان یکی از اصلی‌ترین موانع در جهت‌گیری‌های نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در برنامه‌ریزی راهبردی مورد اشاره قرار گرفته است.

بررسی پیشنهادها نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌ها معطوف به شناسایی مولفه‌ها، ابعاد و موانع اجرای مسئولیت اجتماعی، دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی در مفهوم کلی آن بوده است. اما این پژوهش به واکاوی موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی پرداخته و تمرکز اصلی این پژوهش گروه‌های آموزشی می‌باشد و از آنجایی که واکاوی موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی می‌تواند کارکردهای مطلوب و فراوانی برای نظام آموزش عالی و جامعه در پی داشته باشد که از آن جمله می‌توان به رعایت اخلاق در طی فرآیند یاددهی-یادگیری، افزایش آگاهی و دانش اساتید در حوزه دانشگاه نسل چهارم، ارتقاء ارتباط جامعه و دانشگاه، غنا بخشیدن به فقر تئوریک حوزه، اشاره کرد. از این رو مسئله اصلی پژوهش این است که، «چه موانعی

یافته‌ها

در این پژوهش برای شناخت موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی، داده‌های حاصل از بررسی صاحب‌ها به‌صورت مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر طبقه‌بندی شدند. برای هر مانع ابتدا کلیه مفاهیم از طریق فرآیند کدگذاری باز استخراج و سپس براساس فرآیند کدگذاری محوری و انتخابی، مضمون‌ها براساس مفاهیم مشترک طبقه‌بندی گردیدند. که موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی به‌عنوان مضمون فراگیر انتخاب گردید. سپس در مرحله کدگذاری محوری با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین مضامین، مضمون‌های که با هم ارتباط بیشتری داشتند در یک طبقه قرار گرفتند و مضامین سازمان‌دهنده را تشکیل دادند که این مضامین همراه با روابط بین آن‌ها در جدول (۳) نشان داده شده‌اند.

است. بدین‌منظور چک لیست اعتباریابی موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی برای ۸ نفر از اساتید که، دارای کتاب، مقاله یا طرح پژوهشی در زمینه دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی و فعال در عرصه‌های اجتماعی بودند ارسال گردید، که در نتیجه توافق ۰/۹۳ صدم حاصل شد که نشان از اعتبار یافته‌ها دارد. ویژگی‌های مهم جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان در پژوهش جهت اعتباریابی یافته‌ها در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲. ویژگی‌های مهم جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان در

پژوهش جهت اعتباریابی یافته‌ها			
تعداد کل	مرتبه علمی	جنسیت	محل خدمت
۸	استاد ۰/۲۰	مرد ۰/۷۰	دانشگاه بوعلی سینا
	دانشیار ۰/۲۰	زن ۰/۳۰	همدان
	استادیار ۰/۶۰		دانشگاه لرستان

جدول ۳. موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی	به حاشیه رانده شدن همکاری بین‌رشته‌ای	نبود مکانیسم‌های برای یکپارچه‌سازی فرآیندهای آموزش و پژوهش بین دانشکده‌ها (کد ۱)، وفاداری اساتید به رشته تخصصی خود (کد ۲)، جزیره‌ای اندیشیدن اساتید در حوزه آموزش و پژوهش (کد ۳)، مقاومت در برابر تغییر برنامه‌های سنتی به برنامه‌های بین‌رشته‌ای مرتبط با جامعه (کد ۴)، عدم تلفیق دانش تخصصی رشته‌های گوناگون برای بدست آوردن زبان مشترک (کد ۶)، فقدان درک سیستماتیک از مسائل اجتماعی پیرامون دانشگاه (کد ۸)، نداشتن روحیه ابتکار، نقدپذیری و خلاقیت در بین گروه‌های آموزشی برای همکاری با یکدیگر (کد ۹).
	ماهیت فعالیت و باورها	تأکید بر آموزش مفاهیم انتزاعی و نظریه‌های پیچیده بدون پیوند با مسائل جامعه (کد ۲)، ارتباط ضعیف بین نظر و عمل در طی فرآیند یاددهی-یادگیری (کد ۴)، عدم تمایل به واگذاری اختیارات به گروه توسط افراد (کد ۵)، اولویت دادن به پژوهش‌های بنیادین (کد ۶)، تمایل اندک به روش‌های تیمی و مشارکتی و گرایش به حفظ روش‌های سنتی (کد ۷)، تمرکز برنامه درسی علوم انسانی بر تحلیل عمیق مفاهیم متون و آموزش نظریه‌ها (کد ۸)، باور به اینکه نقش دانشگاه در تولید دانش انتزاعی نه حل مسائل واقعی جامعه (کد ۹).
	ارتباط اندک اساتید با جامعه محلی	فقدان ارتباط مدیران گروه‌ها با انجمن‌های مدنی و دولتی برای اجرای پروژه‌های مرتبط با جامعه (کد ۱)، مقاومت جامعه دانشگاهی در برابر تغییر و تحول در حوزه ارتباط جامعه با دانشگاه (کد ۲)، توجه اندک به تکالیف و پروژه‌های خدمت‌محور توسط اساتید (کد ۳)، وجود جو و فرهنگ سازمانی که مبتنی بر ارتباط اندک جامعه و دانشگاه (کد ۴)، عدم وجود زیرساخت‌ها برای ارتباط گروه‌های آموزشی با جامعه محلی (کد ۶)، عدم وجود مهارت‌های ارتباطی مؤثر اساتید برای تعامل با جامعه محلی (کد ۷)، فقدان رابطه درون‌زا و نظام‌مند بین گروه‌های آموزشی و جامعه محاط دانشگاه (کد ۸).
محدود کردن مسئولیت اجتماعی به فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه	پراکندگی فعالیت‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی دانشگاه (کد ۲)، عدم تلفیق فعالیت‌های اجتماعی در برنامه درسی (کد ۳)، تمرکز صرف بر فعالیت‌های داوطلبانه و نادیده گرفتن تعامل از طریق آموزش و پژوهش (کد ۵)، فقدان مباحث مربوط به مسئولیت اجتماعی در سر فصل‌های دروس (کد ۶)، انجام فعالیت‌های داوطلبانه و خیریه به طور مقطعی و غیرپایدار (کد ۷).	
	قوانین و اسناد بالادستی	عدم وجود پشتوانه حقوقی برای انجام پروژه‌ها توسط مدیران گروه‌های آموزشی (کد ۱)، ترس مدیران بالادستی از شکست طرح‌های اجتماعی و پیامد آن برای دانشگاه (کد ۲)، عدم توجه کامل به مؤلفه‌های دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی در اسناد بالادستی (کد ۷)، درک ناقص مدیران بالادستی از کارکردهای دانشگاه نسل چهارم (کد ۹).

آگاهی اندک اساتید	آگاهی سطحی اساتید و مدیران گروه‌های آموزشی از مفهوم مسئولیت اجتماعی دانشگاه (کد ۱)، مشارکت اندک اساتید در رویدادها و گروه‌های آموزشی در
حوزه مسئولیت	همایش‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی (کد ۲)، بی‌میلی اساتید به نوآوری‌های اجتماعی و تأکید بر سنت‌گرایی آکادمیک (کد ۴)، آموزش ناکافی اساتید در حوزه مسئولیت اجتماعی (کد ۸)، ضعف دانش اساتید در زمینه مسئولیت اجتماعی دانشگاه (کد ۹).
اجتماعی دانشگاه	
معیارهای سنجش	فقدان شفافیت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به ارتباط جامعه و دانشگاه (کد ۲)، نبود معیارهای شفاف و روشن برای سنجش مسئولیت اجتماعی
مسئولیت اجتماعی	مسئولیت‌های اجتماعی گروه‌ها (کد ۴)، عدم وجود داده‌های قابل استناد در مورد مشارکت گروه‌ها در ارائه خدمت به اجتماع (کد ۹).
موانع انگیزشی	نبود انگیزش‌های معنوی و مادی برای انجام فعالیت‌های میان‌رشته‌ای، چندرشته‌ای و فرارشته‌ای (کد ۲)، افزایش بار مضاعف کاری اساتید بدون اعطایی پاداش مادی یا کاهش ساعات آموزشی (کد ۴)، کاهش خود کارآمدی و انگیزه اساتید به علت عدم توسعه حرفه‌ای آن‌ها برای تعامل با ذی‌نفعان جامعه محلی (کد ۶)، فقدان مشوق‌های مالی و معنوی برای تشویق فعالیت‌های اجتماعی اساتید (کد ۹).
سیاس گذاری‌های متمرکز	کاهش اثربخشی تصمیمات مربوط به مسئولیت اجتماعی به علت عدم مشارکت مجریان در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری (کد ۱)، تضاد بین تصمیمات در رأس، با جهت‌گیری دانشگاه نسل چهارم به بوم و منطقه خاص (کد ۶)، بروکراسی شدید در رابطه با تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی دانشگاه (کد ۷)، عدم تطبیق به موقع دانشگاه با شرایط بحرانی جامعه مانند بیماری، جنگ، سیل و غیره (کد ۸).
بی‌اعتمادی به دانشگاهیان	غیر ملموس بودن خدمات ارائه شده به جامعه توسط علوم انسانی (کد ۳)، خدشه‌دار شدن اعتبار دانشگاه به علت رعایت نکردن اخلاق پژوهشی توسط بعضی از پژوهشگران (کد ۴)، تولید نظر بدون بیان کاربرد عملی آن در حل مشکلات جامعه (کد ۵)، عدم اعتماد به دانشگاهیان به علت پروژه‌های شکست خورده گذشته (کد ۷)، کیفیت پایین فعالیت‌های اجتماعی و عدم تناسب آن با نیازهای واقعی جامعه (کد ۸)، برج عاج‌نشینی دانشگاهیان و بی‌توجهی به انتظارات جدید از دانشگاه به عنوان موتور محرکه توسعه اجتماع (کد ۹).
عدم استقبال از رویکرد دانش‌پژوهی عمومی	بی‌توجهی به اثرات اجتماعی پژوهش (کد ۱)، مقاومت در برابر تغییر نگرش از تولید علم برای علم به تولید علم برای حل مسئله (کد ۴)، اولویت‌دهی به کمیت مانند تعداد مقالات بجای تأکید بر کیفیت مانند اثر مثبت پژوهش‌ها بر جامعه (کد ۵)، عدم توجه به مخاطبان عام و فراگیر در سطح جهانی و سطح ملی (کد ۷)، کم توجهی به رویکرد جامعه‌محوری (کد ۸).

نمونه‌های از مضامین به شرح زیر می‌باشد: در رابطه با به حاشیه رانده شدن همکاری بین‌رشته‌ای مشارکت‌کننده شماره (۳) می‌گوید: «استادان به‌صورت جزیره‌ای کار می‌کنند. اصلاً ارتباطی با اساتید دیگر گروه‌ها ندارند، این کار درست نیست، همه اساتید باید برای حل مسائل و مشکلات نوظهور جامعه همکاری و تبادل نظر نمایند». همچنین مشارکت‌کننده شماره (۵) اظهار داشتند: «اساتید بیشتر به دنبال کارهای پژوهشی فردی حوزه تخصصی خود هستند تا معیارهای لازم را برای ارتقاء بگیرند، فعالیت‌های بین‌رشته‌ای برای حل مشکلات جامعه محلی چون معیار ارتقاء نیستند، اصلاً محلی از اعراب ندارند». در زمینه ماهیت فعالیت و باورها مشارکت‌کننده شماره (۶) می‌گوید: «در رشته‌های علوم انسانی بیشتر پژوهش‌های انجام شده بنیادین هستند و ما پژوهش‌های کاربردی را که به مسائل زنده جامعه بپردازند را خیلی کم می‌بینیم». همچنین مشارکت‌کننده شماره (۸) اظهار داشتند: «بینید ما در اکثر کلاس‌های علوم انسانی می‌بینیم که تمرکز برنامه درسی بر روی تحلیل متون و آموزش نظریه‌ها می‌باشد و به این موضوع که مشکلات جامعه محلی چه هستند و آیا با آموزش‌های که می‌دهیم می‌توانیم به این موضوعات رسیدگی کنیم؟ کمترین توجه نمی‌شود». در راستای ارتباط کم اساتید با جامعه

محلی، مشارکت‌کننده شماره (۱) اشاره داشتند: «پژوهش‌های که توسط اساتید و دانشجویان انجام می‌شود در راستای نیازهای واقعی جامعه نبوده و درصدد رفع نیازهای نوظهور و پیچیده زیست بوم نیستند». و مشارکت‌کننده شماره (۴) می‌گوید: «دانشگاه برای اینکه در جهان پر از رقابت امروزی بتواند به حیات خود ادامه دهد باید به تمام معنا در کنار جامعه و در خدمت پیشرفت آن باشد». در رابطه با محدود کردن مسئولیت اجتماعی به فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه، مشارکت‌کننده شماره (۳) بیان می‌کند: «وقتی فعالیت‌های مربوط به خدمات اجتماعی از طرف اساتید و دانشجویان مجزا از امر آموزش و پژوهش انجام می‌شود، باعث می‌شود این فعالیت‌ها در برنامه‌های درسی تلفیق نشود و به اصلاح کار جزیره‌ای انجام شود و نتایج مطلوبی را برای جامعه محلی به همراه نداشته باشد». همچنین مشارکت‌کننده شماره (۷) اظهار می‌دارد: «فعالیت‌های داوطلبانه مانند ارائه مشاوره‌های تخصصی به جامعه محلی و غیره به‌طور مقطعی و ناپایدار انجام می‌شود در حالی که از اهداف گروه‌های آموزشی در ارائه خدمات به جامعه محلی، ایجاد توسعه پایدار و بهبود کرانه زیستی، جامعه پیرامونی دانشگاه می‌باشد». در خصوص قوانین و اسناد بالادستی، مشارکت‌کننده شماره (۱) بیان داشت: «شما اگر اسناد

در رابطه با ارائه خدمات به جامعه گرفته می‌شود باید در همان بوم با توجه به امکانات، بودجه، فرهنگ، منابع انسانی و غیره، گرفته شود، حالا باید به این نکته اندیشید، که آیا نظام تصمیم‌گیری فعلی مانع جدی و مستحکمی در رابطه با تقویت مسئولیت اجتماعی دانشگاه نیست». در ارتباط با بی‌اعتمادی به دانشگاهیان، مشارکت‌کننده شماره (۹) می‌گوید: «استادان تعامل مؤثری با مردم برای حل مشکلات آن‌ها ندارند، گویی آن‌ها در جهان دیگر زیست می‌کنند، این امر بی‌اعتمادی به دانشگاهیان برای پاسخ‌گویی به مشکلات جامعه را دامن می‌زند». و مشارکت‌کننده شماره (۵) اظهار داشت: «در کلاس‌های درس، استادان فقط نظر را می‌گویند و کاری به عمل ندارند؛ در واقع علم را فقط برای علم می‌خواهند، این طرز فکر بی‌اعتمادی به دانشگاهیان در حل مسائل اجتماعی را تقویت می‌کند». در خصوص عدم استقبال از رویکرد دانش‌پژوهی عمومی، مشارکت‌کننده شماره (۳) بیان می‌کند: «ساختار بوروکراسی پیچیده باعث می‌شود که ارتباط با سمن‌ها و نهادهای غیر دانشگاهی برای انجام پژوهش‌های عام و فراگیر در سطح محلی، ملی و جهانی بسیار سخت شود». همچنین مشارکت‌کننده شماره (۵) اظهار می‌دارد: «اولویت دانشگاه باید از تعداد مقالات برای ارتقاء در رتبه‌بندی دانشگاه، به سمت افزایش تأثیر مثبت پژوهش‌های عمومی تغییر یابد».

برای پاسخ به این سؤال که، تا چه میزان موانع شناسایی شده تحقق مسئولیت اجتماعی گروه‌ها از اعتبار لازم برخوردار هستند؟ این موانع در قالب چک‌لیست به متخصصان ارائه شد تا در صورت تأیید متخصصان به‌عنوان موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی مورد استفاده واقع شوند. براساس روش CVR برای ۸ نفر متخصص حداقل روایی ۰/۷۵ صدم موردنیاز است (Hajizadeh and Asghari, 2011). که در این بخش از پژوهش توافق ۹۳/۰۰ حاصل شد که نشان از اعتبار یافته‌ها دارد. در جدول شماره (۴)، میزان توافق متخصصان برای هر یک از موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی گزارش شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی شامل، به حاشیه رانده شدن همکاری بین‌رشته‌ای، ماهیت فعالیت و باورها، ارتباط اندک اساتید با جامعه محلی، محدود کردن مسئولیت اجتماعی به فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه، قوانین و اسناد بالادستی، آگاهی اندک اساتید گروه‌های آموزشی در حوزه مسئولیت اجتماعی دانشگاه، معیارهای سنجش مسئولیت اجتماعی، موانع انگیزشی،

بالادستی را در آموزش عالی مانند نقشه جامعه علمی کشور و غیره را بخوانید متوجه خواهید شد که به برخی از مؤلفه‌های دانشگاه نسل چهارم اصلاً اشاره نشده، ما باید ضمن اشاره کامل به ویژگی‌های دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی، پشتوانه حقوقی برای تسریع حرکت به سمت ارتباط دانشگاه و جامعه، فراهم نمائیم». همچنین مشارکت‌کننده شماره (۳) اظهار داشت: «الان تمرکز مدیران دانشگاه بر این است که شاخص‌های کمی مانند تعداد مقاله و رتبه دانشگاه را بهتر کنند و کمترین توجه را به تأثیرات اجتماعی دانشگاه دارند». در ارتباط با آگاهی اندک اساتید در حوزه مسئولیت اجتماعی دانشگاه، مشارکت‌کننده شماره (۱) می‌گوید: «ارائه خدمات به جامعه محلی، نیازمند دانش و آگاهی در حوزه دانشگاه نسل چهارم می‌باشد، بنابراین لازم و ضروری می‌باشد که مدیران گروه‌های آموزشی با استفاده از راهبردهای توسعه حرفه‌ای اساتید نسبت به این مهم اقدام نمایند». مشارکت‌کننده شماره (۸) اشاره داشتند: «فقدان پرتکل‌ها، عدم تخصص اساتید، کمبود منابع مادی و انسانی، مانع بسیار بزرگی برای حل مسائل جامعه محلی می‌باشند، به نظر من دانش‌افزایی اعضای هیأت علمی در این حوزه می‌تواند راهگشا باشد». در زمینه معیارهای سنجش مسئولیت اجتماعی، مشارکت‌کننده شماره (۴) بیان می‌کند: «نبود معیارهای شفاف برای سنجش عملکرد گروه‌های آموزشی در حوزه ارائه خدمات به جامعه، باعث شده نظارت بر این امر مهم و اساسی مقدور نباشد». همچنین مشارکت‌کننده شماره (۹) اشاره داشتند: «وقتی بر ارتباط جامعه و دانشگاه نظارت دقیق نباشد، داده‌های برای تصمیم‌گیری یا وجود ندارد یا خیلی ضعیف هستند که نمی‌تواند مبنای برای حل مسئله‌های جامعه‌محور توسط گروه‌های آموزشی و غیره باشد». در خصوص موانع انگیزشی، مشارکت‌کننده شماره (۲) اشاره می‌کند: «برای انجام یک پروژه تلفیقی جهت حل مسائل نوپدید اجتماعی ما نیاز به منابع مالی و معنوی زیادی داریم که بتوانیم اساتید را راضی نماییم، تا نسبت به انجام این پروژه‌ها از خودشان رغبت نشان دهند». همچنین مشارکت‌کننده شماره (۶) می‌گوید: «توسعه حرفه‌ای اساتید در حوزه مسئولیت اجتماعی دانشگاه می‌تواند انگیزه و کارآمدی آن‌ها را افزایش دهد، عکس این قضیه نیز صادق می‌باشد». در زمینه سیاست‌گذاری‌های متمرکز، مشارکت‌کننده شماره (۷) بیان می‌کند: «وقتی در جامعه یک اتفاق مانند سیل، زلزله، بیماری و غیره رخ می‌دهد، جامعه دانشگاهی باید بلافاصله وارد میدان شود؛ ولی نظام بروکراتیک مانع ورود به موقع دانشگاهیان برای ارائه خدمت به جامعه می‌شود». همچنین مشارکت‌کننده شماره (۶) می‌گوید: «دانشگاه بوم شناختی جهت‌گیری منطقه‌ای دارد، یعنی تصمیماتی که

سیاست گذاری‌های متمرکز، بی‌اعتمادی به دانشگاهیان و عدم استقبال از رویکرد دانش‌پژوهی عمومی می‌باشد.

جدول ۴. میزان توافق متخصصان برای هر یک از موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی

ردیف	موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی	تعداد پاسخ ضروری است	تعداد پاسخ مناسب است ولی ضرورتی ندارد	تعداد پاسخ ضرورتی ندارد	میزان توافق	وضعیت مؤلفه
۱	به حاشیه رانده شدن همکاری بین‌رشته‌ای	۸		۱	*	
۲	ماهیت فعالیت و باورها	۷	۱		۰/۷۵	*
۳	ارتباط اندک اساتید با جامعه محلی	۸		۱	*	
۴	محدود کردن مسئولیت اجتماعی به فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه	۸		۱	*	
۵	قوانین و اسناد بالادستی	۷	۱		۰/۷۵	*
۶	آگاهی اندک اساتید در حوزه مسئولیت اجتماعی دانشگاه	۸		۱	*	
۷	معیارهای سنجش مسئولیت اجتماعی	۸		۱	*	
۸	موانع انگیزشی	۸		۱	*	
۹	سیاست گذاری‌های متمرکز	۸		۱	*	
۱۰	بی‌اعتمادی به دانشگاهیان	۷	۱		۰/۷۵	*
۱۱	عدم استقبال از رویکرد دانش‌پژوهی عمومی	۸		۱	*	
	مجموع				۰/۹۳	

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی شامل، به حاشیه رانده شدن همکاری بین‌رشته‌ای، ماهیت فعالیت و باورها، ارتباط اندک اساتید با جامعه محلی، محدود کردن مسئولیت اجتماعی به فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه، قوانین و اسناد بالادستی، آگاهی اندک اساتید گروه‌های آموزشی در حوزه مسئولیت اجتماعی دانشگاه، معیارهای سنجش مسئولیت اجتماعی، موانع انگیزشی، سیاست‌گذاری‌های متمرکز، بی‌اعتمادی به دانشگاهیان و عدم استقبال از رویکرد دانش‌پژوهی عمومی می‌باشد.

نتایج در ارتباط با به حاشیه راندن همکاری بین رشته‌ای با پژوهش (Ramos-Monge et al., 2019) که بر ضعف ارتباط درون جامعه دانشگاهی و عدم‌درگیری و همراهی کافی آن‌ها تأکید دارند، همخوانی دارد. در زمینه، ارتباط اندک اساتید با جامعه محلی با پژوهش (Andalib Ardakani and Toghar Al Jardi, 2022) که به نبود ارتباط با ذی‌نفعان اشاره دارد، همخوانی دارد. در ارتباط با قوانین و اسناد بالادستی با پژوهش (Miahkykh, 2023) که بر نبود سیاست روشن برای مسئولیت اجتماعی و پژوهش (Do and

(Huang, 2023) که بر موانع مربوط به مسائل حقوقی تأکید دارند، همخوانی دارد. در زمینه، آگاهی اندک اساتید گروه‌های آموزشی در حوزه مسئولیت اجتماعی دانشگاه با پژوهش (Abrahão et al., 2024) که بر آگاهی اندک اساتید از نقش اجتماعی خود و پژوهش (Andalib Ardakani and Toghar Al Jardi, 2022) که بر مهارت نداشتن کارکنان برای اجرای مسئولیت اجتماعی و نبود آگاهی و دانش مسئولیت اجتماعی دانشگاه تأکید دارند، همخوانی دارد. در ارتباط با معیارهای سنجش مسئولیت اجتماعی با پژوهش (Andalib Ardakani and Toghar Al Jardi, 2022) که بر عدم‌وجود معیارهای برای سنجش مزایای مسئولیت اجتماعی دانشگاه تأکید دارد، همخوانی دارد. در ارتباط با موانع انگیزشی با پژوهش (Khoshnam, 2025) که بر حمایت ناکافی آیین‌نامه‌ها ارتقاء و ترفیع از مسئولیت اجتماعی و پژوهش (Do and Huang, 2023) که بر کمبود منابع مالی و پژوهش (Miahkykh, 2023) که بر کمبود منابع مالی و انسانی در اجرای برنامه‌های اجتماعی تأکید دارند، همخوانی دارد. در زمینه سیاست‌گذاری متمرکز با پژوهش (Khoshnam, 2025) که بر تمرکزگرایی و پژوهش (Miahkykh, 2023) که بر مقاومت در برابر تغییر در ساختار سنتی آموزش عالی

تأکید دارند، همخوانی دارد. در ارتباط با بی‌اعتمادی به دانشگاه با پژوهش (Khoshnam, 2025) که بر عدم مرجعیت دانشگاه در حل مسائل جامعه و ضعف اعتماد متقابل دانشگاه و جامعه تأکید دارد، همخوانی دارد. در زمینه با عدم‌استقبال از رویکرد دانش پژوهی عمومی با پژوهش (Khoshnam, 2025) که بر کمی‌گرایی، مقاله محوری، پژوهش‌های بی‌مشتري و لوکس تأکید دارد، همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که مقاومت در برابر تغییر برنامه‌های درسی سنتی به برنامه‌های بین‌رشته‌ای مرتبط با جامعه و وفاداری اساتید به رشته تخصصی خود باعث به حاشیه رانده شدن همکاری‌های بین‌رشته‌ای شده و این مورد می‌تواند به عنوان یک مانع در جهت تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی عمل نماید. تأکید بر آموزش مفاهیم انتزاعی و نظریه‌های پیچیده بدون پیوند با مسائل جامعه سبب ارتباط ضعیف بین نظر و عمل در طی فرآیند یاددهی-یادگیری شده که نشان‌دهنده تمرکز برنامه‌های درسی علوم انسانی به آموزش نظریه‌ها می‌باشد، ماهیت فعالیت و باورها این رشته‌ها را آشکار می‌نماید، که این امر یک مانع مهم بر سر راه مشارکت گروه‌های آموزشی در جهت پیشبرد اهداف دانشگاه نسل چهارم می‌باشد. توجه اندک اساتید به پروژه‌های خدمت‌محور و تمرکز بر فعالیت‌های کم اثر به جای تمرکز بر فعالیت‌های محوری مرتبط با جامعه ضمن ایجاد یک شکاف شدید بین اساتید و جامعه محلی یک مانع مهم برای دستیابی به اهداف دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی می‌باشد. جدا دیدن سه مأموریت آموزش پژوهش و ارائه خدمات اجتماعی و تمرکز بر فعالیت‌های داوطلبانه و نادیده گرفتن آموزش و پژوهش اولاً موجب پراگندگی فعالیت‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی شده و ثانیاً سبب مقاومت در برابر اندیشه‌های جدید و رویکردهای نوآورانه در زمینه دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی خواهد شد. مدیران بالادستی اگر به علت ترس از شکست طرح‌های اجتماعی و پیامد آن برای دانشگاه، منابع مالی، انسانی و امکانات آموزشی لازم را برای اجرای فعالیت‌های دانشگاه بوم‌شناختی فراهم نسازند یا مسئولیت اجتماعی دانشگاه را به عنوان یک اولویت در اسناد بالادستی نیاورند و یا اگر مسئولیت اجتماعی را به عنوان یک ارزش نهادینه نکنند. گروه‌های آموزشی انگیزه و توانایی لازم را برای طراحی و اجرای مؤلفه‌های دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی نخواهند داشت. آگاهی سطحی اساتید از مفهوم مسئولیت اجتماعی پیامدهای مانند، عدم تلفیق مفاهیم مربوط به مسئولیت اجتماعی در فرآیند یاددهی-یادگیری، بی‌میلی اساتید به نوآوری‌های اجتماعی و تأکید بر سنت‌گرایی آکادمیک و مشارکت اندک اساتید در رویدادها و

همایش‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی، را به همراه داشته باشد. این مسائل می‌تواند مانعی جدی برای مشارکت گروه‌های آموزشی در مسیر حرکت به سمت دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی باشند. نبود معیارهای سنجش در اجرای مسئولیت اجتماعی باعث، عدم پاسخ‌گویی در مورد مسائل و مشکلات جامعه محلی، ایجاد ابهام، عدم وجود داده‌های قابل‌استناد برای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، کاهش انگیزه، عدم اصلاح رویه‌های غلط در حوزه ارتباط دانشگاه و جامعه و ناکارآمدی در تخصیص منابع می‌گردد. این مهم می‌تواند مانع جدی برای تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی گروه‌های آموزشی باشد. موانع انگیزشی مانند افزایش بار کاری بدون اعطای مشوق‌های مادی و معنوی، تأکید بر تعداد مقالات علمی و پروژه‌های پژوهشی بدون توجه به فعالیت‌های اجتماعی به عنوان معیار ارتقاء اساتید، نداشتن زمان و انرژی کافی برای ارائه خدمات به جامعه پیرامونی دانشگاه به علت بار کاری آموزشی و پژوهشی و عدم حمایت مدیران دانشگاهی از تعاملات مؤثر اجتماعی اساتید، باعث کم اهمیت شماری فعالیت‌های اجتماعی از طرف مدیران، اساتید، کارکنان و دانشجویان شده و این خود مانعی جدی برای تقویت مسئولیت اجتماعی می‌باشد. سیاست‌گذاری‌های متمرکز با بوروکراتیک کردن فرآیندها، ایجاد تأخیر در اجرای پروژه‌های اجتماعی، ایجاد شکاف بین سیاست‌گذار و جامعه، تخصیص منابع بر اساس معیارهای کلان و نه نیازهای واقعی جامعه و تضاد بین تصمیمات در رأس با جهت‌گیری بوم‌شناختی دانشگاه نسل چهارم، مسیر مشارکت فعال گروه‌های آموزشی در تقویت مسئولیت اجتماعی را مسدود نموده است. اگر مردم، نهادهای دولتی و صنعت، اساتید و صاحبان اندیشه را در حل مسائل مبتلا به خود، ناکارآمد ببینند و یا اساتید برج عاج‌نشین شده و به انتظارات جدید از دانشگاه به عنوان موتور محرکه توسعه اجتماعی بی‌توجهی نمایند و یا مأموریت سوم دانشگاه حالت شعار پیدا کند، اعتماد عمومی به دانشگاهیان سلب شده و باعث انزوای آن‌ها می‌شود که نهایتاً حذف فیزیکی یا ماهیتی دانشگاه را به دنبال خواهد داشت. عدم استقبال از دانش‌پژوهی عمومی باعث، بی‌توجهی به اثرات اجتماعی پژوهش، تقویت نگرش علم برای علم، عدم پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان و محصور شدن گروه‌های آموزشی در چارچوب دانشگاه و عدم ارتباط سازنده با جامعه شده و فرصت‌های یادگیری در اجتماع را محدود می‌نماید، که این امر در نهایت مانع ایفای نقش دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی می‌گردد. در پایان با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود نسبت به، همکاری با سمن‌ها و نهادهای حمایتی برای ارائه خدمات تخصصی به جامعه، بازنگری برنامه‌های درسی علوم انسانی براساس مبانی ایرانی-

- Azizi, N. (2017). The Necessity of Reforms in Higher Education. Tehran: Cultural and Social Studies Research Institute Publications. [In Persian].
- Bosquez-Aguilar, P. D. (2022). International initiatives of university social responsibility and situation of Panamanian public universities. *Orbis Cognita Scientific Journal*. 6(1), 93-110.
- Cabanzo, C., Cala Vitery, F. and Fonseca, I. (2025). University Social Responsibility: Perspectives From Discourses, Policies, and Management. *SAGE Open*, 15(3): 1-12.
- Coelho, M. and Menezes, I. (2020). University social responsibility as a driving force of change: students' perceptions beyond the ivory tower. *On the Horizon*. 28(2), 93-100.
- Do, M. H. and Huang, Y. F. (2023). Barriers to university social responsibility implementation in the Vietnamese higher education. *International Journal of Educational Management*, 37(3), 647-661.
- Farhadirad, H., Parsa, A., Shahi, S. and Bahrami, M. (2019). Identifying and analyzing the social responsibilities of universities. *Marine Science Education*. 7(2): 33-45. [In Persian].
- Godonoga, A. and Sporn, B. (2023). The conceptualisation of socially responsible universities in higher education research: a systematic literature review. *Studies in Higher Education*, 48(3), 445-459. <https://doi.org/10.1080/03075079.2022.2145462>
- Kaykha, A. and Abili, K. (2019). Study of social responsibility of educational groups, case study: Department of Educational Management and Planning, University of Tehran. *Higher Education*, 12(1). 113-138. [In Persian].
- Khoshtnam, M. (2025). Pathology of social responsibility in local and regional research of faculty members. *Research in Educational Systems*, 18(64), 93-114. [In Persian].
- Miahkykh, I. M. (2023). Social responsibility in higher education: challenges and opportunities. *Manasement*. (1)37. 118-125.
- Ramos-Monge, E. L., Llinàs-Audet, X., and Barrena-Martínez, J. (2019). Drivers and barriers of University Social Responsibility: integration into strategic plans. *World review of entrepreneurship, management and sustainable development*, 15(1-2), 174-201.
- Safaei Movahed, S. (2024). Qualitative Research: Theoretical Foundations, Strategies, Traditions. Tehran: Alam Ostad.
- Safari Farfa, R., Abolghasemi, M., Farastkhah, M. and Noe-Ibrahim, A. (2022). Designing a ranking model for educational groups. *Culture Strategy*. 14(53):11-81. [In Persian].

اسلامی با محوریت مسئولیت اجتماعی، تعریف پروژه‌های تقاضامحور برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه محلی، راه‌اندازی دوره‌های موک با موضوع مسئولیت اجتماعی برای مدیران و اعضای هیأت علمی، انتشار نشریه علمی با موضوع اختصاصی علوم انسانی و مسئولیت اجتماعی، ارائه خدمات مشاوره‌ای گوناگون به جامعه محلی با استفاده از توان تخصصی اساتید، ایجاد یک پلتفرم برای ثبت مسائل جامعه و حل این مسائل با استفاده از ظرفیت‌های پژوهشی گروه‌های آموزشی، شفاف‌سازی و تمرکززدایی فرآیندهای داخلی دانشکده‌ها، لحاظ کردن مشارکت در پروژه‌های اجتماعی به‌عنوان معیار برای ارتقاء اساتید و ارزشیابی گروه‌های آموزشی، اقدام گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که پژوهشی برای شناخت موانع تحقق مسئولیت اجتماعی گروه‌های آموزشی در اسناد بالادستی صورت گیرد. ازجمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به، مشکل کم‌رنگ بودن بحث شناخت موانع تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در آئینه پژوهش‌ها اشاره کرد.

مشارکت نویسندگان

این پژوهش مستخرج از طرح پژوهشی است که توسط نویسندگان انجام شده است.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Abrahão, V., Vaquero-Diego, M. and Móstoies, R. C. (2024). University social responsibility: The role of teachers. *Journal of Innovation and Knowledge*, 9(1), 11-21
- Al-Mohammad, S. (2025). Comparative analysis of the experiences of culture building in two Beijing universities in the field of students' social responsibility. *Social Business*. 2(2): 329-313. [In Persian].
- Andalib Ardakani, D. and Toghralljardio A. (2022). Identifying, ranking and modeling factors affecting the failure to implement social responsibility. 2(11). 143-115. [In Persian].
- Asgari, A. Khorsandi Tlasekvoh, A. and Ghiyasi Nadushan, S. (2023). The University Innovation Zone, an Approach to the Anchoring Role of the University in the Development of Innovation. Tehran: Research Institute for Cultural, Social and Civilizational Studies. [In Persian].

- Severino-González, P., Acuña-Moraga, O., Miranda-Navarro, L., Zurita-Uteau, A., Silva-Navarro, C., Dote-Pardo, J. and Romero-Argueta, J. (2025). University social responsibility and sustainable development goals: Challenges and opportunities from the perspective of students from a catholic university. *Interiencia*, 50(1), 47-54.
- Shek, D. T. (2020). Protests in Hong Kong (2019–2020): A perspective based on quality of life and well-being. *Applied Research in Quality of Life*. 15(3), 619-635.
- Supreme Council of the Cultural Revolution (2010). Regulations for the Management of Universities and Institutions of Higher Education, Research and Technology. [In Persian].
- Valencia-Arias, A., Rodríguez-Correa, P. A., Marín-Carmona, A., Zuleta-Orrego, J. I., Palacios-Moya, L., Pérez Baquedano, C. A. and Gallegos, A. (2024). University social responsibility strategy: a case study. *Cogent Education*, 11(1), 1-15.
- Vallaes, F., Oliveira, M. L. S., Crissien, T., Solano, D. and Suarez, A. (2022). State of the art of university social responsibility: a standardized model and compared self-diagnosis in Latin America. *International Journal of Educational Management*. 36(2), 325–340.
- Zamaniyan, I. (2023) Designing a Curriculum Model for realization of the fourth- generation university mission with emphasis on Humanities. PhD thesis. Hamadan: BU-Ali Sina University of Hamadan. [In Persian].
- Zamaniyan, I., Yousefzadeh Choosari., M. R. and Khakbaz, A. (2022). Socially Responsible University with Emphasis on Humanities in the Comprehensive Scientific Map of the Country. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. 3(29), 15-36. doi: 10.61838/irphe.29.3.2. [In Persian].
- Zolfaqarzadeh, M, M. and Cham Asemani, M. (2014). Policymaking of Social Responsibility of Comparative Research University. Tehran: Research Institute for Cultural, Social and Civilizational Studies. [In Persian].